اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هفتاد و پنج)

آخر الزمان (قسمت سیزدهم)

دفع دیوها (بخش نهم)

شرایط گلخانه ای

متاسفانه انسان هنوز متوجه این نکته نیست که در صورت بی توجهی و ناشکری نسبت به نظام رحمانی، چه شرایطی در انتظارش خواهد بود. در صورت بی توجهی به نظام رحمانی ، انسان وارد شرایط گلخانه ای خواهد شد. مَعِيشَةً ضَنْكًا **در آیه زیر به همین شرایط گلخانه ای اشاره دارد.**

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿۱۲۴﴾

و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم (۱۲۴)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾
می گوید پروردگارا چرا مرا نابینا محشور کردی با آنکه بینا بودم (۱۲۵)

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴿١٢٦﴾
می فرماید همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی امروز همان گونه فراموش می شوی (۱۲۶)

رشد گلخانه ای یعنی برای نگهداری و رشد هر چیزی، باید خیلی نکات و جزئیات در نظر گرفته شود، اعم از زمان و مکان و دما و نور و سرما و گرما و ... . ما قبلا در بچگی بدون توجه به میزان ویتامینها، از هر چیزی که در دسترس بود می خوردیم و زندگی خود را هم سپری کردیم و الان هم مشکلی نداریم. اما اکنون نگهداری از یک نوزاد و یا یک بچه از همان ابتدا، باید به خیلی جزئیات توجه شود. قسمتی از این توجهات طبیعی است ولی قسمت اعظم آن اضافی و حتی مضر است و خسته کننده است. هبوط محیط زندگی انسانها به این معناست. انسانها خودشان را به پزشک و روانشناس وابسته کرده اند. آنها زندگی خودشان را به یک سری جزئیات و نکات غیر مفید گره زده اند. با احساس کوچترین درد و یا کوچکترین تبّ، به پزشک مراجعه میکنند و یا قرص مسکن مصرف میکنند و خود را وارد جزئیاتی بی پایان میکنند. این یک امر بدیهی است که هر درد و هر تبّی نباید قطع شود، تا بدن ما خودش را ترمیم کند و در صدور امور به اعضاء بدن دچار اشتباه نشود. نسل جدید تحمل حتی دردهای کوچک را هم ندارد.

در انتخاب زن و یا شوهر خیلی جزئی نگر شده اند و بیشتر به مادیات و ظواهر توجه میکنند. خدای رحمان بسیار زیبا، معیار زوج بودن زنان و مردان را مشخص نموده است.

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾

مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است (۳۵)

کسانی که راستگویند و به راستگویی اهمیت میدهند، بهتر است با هم کفو خود یعنی راستگویان ازدواج کنند (وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ)**. کسی که مومن است، فقط با یک مومن میتواند صحیح زندگی کند** (وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ) **. هم کفو بودن یعنی همین. کسی که نگاهش پاک است، نباید با کسی ازدواج کند که نگاه ناپاک دارد. اینها معیار صحیح زوج شدن هستند. اما مردم به اشتباه دنبال معیارهای دیگری هستند که به هیچ عنوان در زوجیت صحیح نمی گنجند. در شرایط گلخانه ای، اگر تاریخ تولد همسرت یادت رود، شاید کار به قهر و حتی طلاق هم بکشد. مردم یک سری ارتباطات مصنوعی برای خود ساخته اند که آن را خیلی جدی گرفته اند. هر چند که خدا این ارتباطات مصنوعی**

را منع نکرده است ولی خدای مهربان هشدار میدهد که در این ارتباطات ساختگی غرق نشوید و آن را زیاد جدی نگیرید. زیرا اینها کار نیک نیستند و بلکه فقط یک سری امور ساختگی هستند که در اولویت نیستند.

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿۱۰۴﴾

[آنان] کسانی اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می پندارند که کار خوب انجام می دهند (۱۰۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ﴿۱۰۵﴾

[آری] آنان کسانی اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند در نتیجه اعمالشان تباه گردید و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد (۱۰۵)

در بحث ازدواج آنقدر وارد جزئیات شده اند که دیگر کسی توانایی تحمل این همه جزئیات را ندارد و فعلا به بن بست خورده است. در آینده سایتهایی تشکیل میشود که طرفین مشخصات همدیگر را در آن میخوانند و بر اساس یک سری خصوصیات تصنعی و غیر مهم که در سایت قرار میدهند ، زوجشان را انتخاب میکنند. زوجین میگویند که با همدیگر خوش باشیم ولی هر کس به دین خودش! دیگر توصیه به گفتار نیک و کردار نیک در مرام آنان جایی ندارد. در حالی اگر کسی تواصوا بالحق (گفتار نیک) نداشته باشد، دیگر در نظام رحمانی نخواهد ماند و از سیکل و چرخه (پندار نیک - کردار نیک -گفتار نیک - گفتار صبر) خارج خواهد شد. کسی در نظام رحمانی می ماند و از شر شیاطین و دیوها در امان است که از این سیکل رحمانی خارج نشود و کسی از این سیکل خارج نمیشود که این سیکل را ادامه دهد و از چرخش

نیندازد. یعنی پندارهای نیک ما به کردار نیک و در نهایت به گفتار نیک تبدیل شود تا در محیط تاثیر بگذارد و این چرخ بچرخد.

بعضی نظریه های روانشناسی، ارتباطات انسانی را بطور تصنعی ایجاد میکنند و این یک نوع ارتباط ساختگی و پندار ساختگی است. مثلا میگویند که اگر شش چیز را رعایت کنید، خوشبخت میشوید! اگر یازده چیز را در زندگی خود در نظر داشته باشید، خوشحال خواهید بود! اگر بیست نکته را در نظر داشته باشید، به مشکل بر نخواهید خورد!؛ که بیشتر این دستورات، تصنعی هستند و ربطی به نظام رحمانی ندارند و یک نوع مدیتیشن هستند. ماهرترین روانشناس و ماهرترین پزشک برای هر فردی، آن است که انسان در نظام رحمانی زندگی کند و به آیات و نشانه های خدا در طبیعت و آفریده های خدا توجه کند و شکرگزار باشد و همین نکته انسان را از هر گونه پزشک و روانپزشکی بی نیاز میکند.

قبلا زمان قدیم، هفت فصل متفاوت بوده است. قسمتی از پاییز، میوه های خاص خودش را داشت و قسمتی از پاییز هم برگ ریزان بود. قسمتی از زمستان، همیشه برف می باریده است. ما این فصلهای متفاوت و زیبا را از دست داده ایم. زمین وارد یک مرحله جدید میشود که به دو فصل تبدیل میشود و در نهایت نزدیک قیامت به یک فصل تبدیل خواهد شد. در شرایطی که تعداد و تنوع فصلها کم شود، یعنی دیگر کاشت و برداشت بعضی محصولات به شرایط گلخانه ای نیاز دارد. از این به بعد بشر، باید سرما و گرما و نور و آب و سایر جزئیات محیط را خودش تنظیم کند تا بتواند

یک محصول بکارد و برداشت کند. این شرایط را گلخانه ای می نامند. کوچکترین اشتباه در این تنظیمات، کار را خراب می کند.

بشر نه تنها در زمینه کشاورزی، بلکه در زمینه های تربیتی ، درمانی ، روابط بین ازواج و حتی روابط بین افرادجامعه به سمت شرایط گلخانه ای می رود. وقتی یک عکس می گیرید و یا یک سِلفی می گیرید، باید حتما بگویید " سیییییب "؛ تا در ظاهر خود را خوشحال نشان دهید. در حالی که این افراد به وضعیت و خوشحالی و درد و غم همدیگر هیچ توجهی ندارند ولی در حین عکس گرفتن بزور باید بگویید سیییییب و این نوع ظاهرسازی برایشان مهمتر از هر چیزی است. شرایط گلخانه ای یعنی شرایطی که انسانها یک سری قید و بند اضافی برای خود درست میکنند. این افراد فکر میکنند که یک کار خوب انجام میدهند، در حالی که اینها اصلا به معنای کردار نیک نیستند و فریبنده هستند.

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿۱۰۴﴾

[آنان] کسانی اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می پندارند که کار خوب انجام می دهند (۱۰۴)

مردم رفتارهای الکی و بیخودی میسازند و بصیرت و دیدشان را نسبت به موضوعات تغییر میدهند . به همین خاطر خدای حکیم به زنان و مردان مومن توصیه می فرماید که دیدشان را نسبت به بعضی قضایای ساختگی و بعضی جزئی نگری ها بپوشانند و زیاد به آن اهمیت ندهند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

والدین هر کسی از یک نسل قدیمی تر هستند و معمولا والدین کمتر از بچه هایشان، جزئی نگرتر هستند و کمتر شرایط گلخانه ای را رعایت میکنند. خدا توصیه می فرماید که بچه ها باید به والدین خویش احترام بگذارند و آنان را وارد این جزئی نگری نکنند و با ایرادگیریهای گلخانه ای خویش، آنان را اذیت نکنند. قَوْلًا كَرِيمًا **در آیه زیر اشاره به این نکته دارد.**

وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی (۲۳)

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾

و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند (۲۴)

زمانی که آدم در بهشت بود، همه چیز مهیا بود و عیبها و نیازها بطور کامل برطرف و برآورده میشد، ولی اکنون بشر شرایط گلخانه ای را برای خودش پیش آورده است

و باید نیازهای خودش را با ایجاد شرایط مناسب بدست آورد. در حالی که قبلا هر چیزی را هر جایی و هر طوری که دوست داشت، بدست می آورد. وصف دقیق بهشت همین است. هر آنچه که بخواهی در بهشت، جاری است و جریان دارد. محیط بهشت برخلاف زمین، هیچوقت هبوط پیدا نمی کند و شرایط گلخانه ای در آن برقرار نیست؛ بلکه همه چیز در بهشت طبیعی و بِکر است.

نیازهای روانی انسان هم مثل نیازهای تغذیه ، گلخانه ای شده است. مردم پیش روانشناس و پزشک و وکیل و ... میروند، تا برای آنها نسخه بپیچند و مشکلشان را حل کنند. از آنجا که علم بشر قطعی نیست و بر پایه سعی و خطا بنا شده است، ممکن است در این راه خیلی از راه حلها اشتباه و بی راهه باشد ومردم را بیشتر سر در گم کنند.

پندار بد در میان افراد جامعه زیاد شده است و همین باعث شده است که هر کسی حصار خودش را جدا کند و افراد بیشتر از هم دور شوند. گاهی زن و شوهر در خانه اند ولی گفتکوها و ارتباطشان از طریق مجازی صورت می گیرد. هر کسی باید اتاق مخصوص خودش را داشته باشد. این اتفاق به یکباره صورت نگرفته است و بلکه انسانها ابتدا هبوط رفتاری و پنداری کردند، بعد برای دور ماندن از شر همدیگر، از هم فاصله گرفتند. بعضی گلها برای دفاع از خود تیغ در می آورند. انسانها هم صافی و صداقت سابق را ندارند، زیرا محیط زندگی هبوط یافته است.

در شرایط گلخانه ای برای زندگی، پول اهمیت بیشتری پیدا میکند و مردم وابسته به پول میشوند. در این حالت انسان وابسته به علمش میشود و در این مورد مجبور است

که علوم مختلف را یاد بگیرد تا بتواند شرایط گلخانه ای مناسب و خوبی برای خود ایجاد کند. در این حالت شیطان بوسیله وارد کردن انسانها در حالت مدیتیشن، در نیازهای آنها دخالت کرده و باعث سر در گمی انسانها میشود. در شرایط گلخانه ای، انسانها خیلی وابسته تر میشوند. مثلا قبلا که سوخت گاز در خانه ها نبود، مردم هیچوقت بطور کامل شبانه روزی، بخاری ها را روشن نگه نمی داشتند و فقط قسمتهایی از روز و شب، اقدام به گرم کردن خانه ها می کردند. اما اکنون چندین ماه متوالی سیستم گرمایشی خانه ها خاموش نمیشود. شرایط زندگی عوض میشود و انسانها بیش از پیش به این سیستم گلخانه ای وابسته میشوند. هر چقدر که به زمان آخر شدن دنیا نزدیکتر میشویم ، این شرایط گلخانه ای جزئی تر و سخت تر میشود. حتی زمانی خواهد رسید که خیلی از مادران قدرت حمل نوزادشان را در شکم خود ندارند و نوزاد مدتی از نه ماه را در یک محفظه طی خواهد کرد. این شرایط برای نوزاد حیوانات هم پیش خواهد آمد. آیه قرآن می گوید که وقتی شتران ماده و انهاده شوند.

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿۴﴾

وقتی شتران ماده ده ماهه وانهاده شوند (۴)

در این آیه ، از کلمه عشار (هم ریشه عشر به معنای ده) به جای شتر اشاره شده است. زیرا شتر ماده در حالت عادی، سیزده ماه و نیم نوزادش را در شکم خویش حمل میکند ولی بمرور این زمان کمتر میشود و در نزدیکیهای قیامت به ده ماه میرسد

و این خودش معنای بزرگی در آن نهفته است. شتر که صبور ترین و شکیبا ترین حیوان است و در تحمل گرسنگی و تشنگی و شرایط سخت، زبانزد عام و خاص است، در نزدیکیهای قیامت براساس شرایط گلخانه ای نامناسبی که پیش خواهد آمد، فقط تا ده ماه قدرت و توان تحمل نوزادش را دارد و نوزاد سه ماه و نیم دیگر را باید در محفظه هایی طی کند. شرایط گلخانه ای نامناسبی برای حیوانات وحش بوجود خواهد آمد. هم اکنون هم شرایط نامناسبی برای بعضی حیوانات وحش پیش آمده است و بعضی از آنها در حال انقراض هستند. آیه زیر به این موضوع اشاره دارد.

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾
و آنگه که وحوش را همی گرد آرند (۵)

بشر شرایط نامناسبی برای حیوانات پیش خواهد آورد. خودش بصورت گلخانه ای زندگی میکند ولی حیوانات دوست دارند که مثل سابق طبیعی زندگی کنند ولی مشکل اینجاست که بشر محیط زیست را خراب کرده است و توجهی هم به حیوانات ندارد و شاید بخاطر موزه و یا باغ وحش و تفریح خودش، از بعضی حیوانات نگهداری کند. بشر برای لذت بردن خودش هرکاری میکند. حتی فرزندان خود را هم میکشد.

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾
پرسند چو زان دخترك (و یا هر نطفه ای در شکم مادر) زنده به گور (۸)

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾
به کدامین گناه کشته شده است (۹)

بشر فکر میکند که نوزاد تا وقتی که در شکم مادر است، حق حیات ندارد و بنابراین خود را صاحب جان او میداند. الْمَوْءُودَةُ **در اینجا فقط به معنای دخترک نیست. بلکه به معنای نطفه دختر و یا حتی نطفه پسر هم هست. جزئی نگری و شرایط گلخانه ای در این مبحث باعث میشود که انسانها، نوزادان در شکم مادر را با بهانه های مختلف سقط کنند. حتی ممکن است که در آینده مادران بخاطر اینکه در حین بارداری یک سری شرایط گلخانه ای را رعایت نکرده اند و یادشان رفته است، نوزداشان را سقط کنند. خدای مهربان ، در آیه زیر، زمان حمل و شیر دادن یک نوزاد (سی ماه) را جزو سن یک انسان قرار داده است (**وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا**). بعد می فرماید که این انسان به بلوغ جسمی میرسد و بعد به بلوغ روحی روانی (سن چهل سالگی) میرسد. بنابراین نُه ماه در شکم مادر، جزو سن واقعی یک فرد بحساب میاید. در حالی که ما هم اکنون به اشتباه، زمان خارج شدن نوزاد از شکم مادر را مبنای محاسبه سن یک فرد در نظر می گیریم.**

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾

و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیرگرفتن او سی ماه است تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد می گوید پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس گویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان در حقیقت من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم (۱۵)

میوه ها و محصولات گلخانه ای ، تمام خاصیت های محصولات طبیعی را ندارند و بنابراین انسان مجبور میشود که در خواص و ریز مواد این محصولات ریزنگرتر شود و به این ترتیب بشر خودش را وارد یک محاسبه پیچیده خواهد کرد. تمام این حوادث و جریانات به این خاطر است که بشر متوجه شود که درباره آمدن از بهشت به زمین اشتباه کرد و این همان امانتی است که انسان آن را قبول کرد و باعث ایجاد یک زندگی تلخ برای خودش و موجودات دیگر شد. انسان در آن موقع پیشنهاد کرد که خودش با علم! خودش میتواند در زمین یک زندگی عادلانه و لذت بخش برای خود و محیط زیستش بوجود آورد و این همان امانتی است که انسان تابحال نتوانسته است از پس آن برآید. حتی ایده های اصلی و تئوریهای علمی مفید که بشر به آن دست یافته است، به کمک وحی الهی بوده است و گرنه بشر هیچ وقت نمی تواند کوچکترین پیشرفتی کند.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾

ما امانت را بر آسمانها و زمين و كوهها عرضه كرديم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناك شدند و[لى] انسان آن را برداشت راستى او ستمگرى نادان بود (٧٢)

این اشتباه هولناک باعث شرایط وخیمی شده است و روز به روز هم بدتر خواهد شد. انسان در این حالت باید به اشتباه خویش پی برد و به درگاه خدای متعال روی آورد و پی ببرد که آن امانت را حفظ نکرده است؛ رسیدن به این نتیجه گیری برای هر انسانی لازم و ضروری است.

شکرگزاری مهمترین رکن یک زندگی است که با رعایت آن، میتوانیم از ایجاد شرایط گلخانه ای بیشتر برای خود جلوگیری کنیم و از دست دردسرهای آن دور شویم. مدتی دیگر هر میوه و گوشتی را از مولکولهای بنیادی بدست می آورند و پرورش میدهند. بشر زمین را به این سمت خواهد برد. محصولات کم کم به یک شکل و یک مزه تبدیل میشوند.

شرایط گلخانه ای برای آدمیان ، گره های ذهنی ایجاد میکند و به همین خاطر جزئی نگر تر میشوند. خدا انواع نعمتها و چیزها را آفریده است در شکلها و مزه های مختلف. در جهنم ماده مخدری به اسم زقوم وجود دارد که به معنای واقعی، شرایط گلخانه ای برای انسان پیش خواهد آورد. به همین خاطر جهنمیان، همیشه فکرشان مشغول است و هیچوقت روی آرامش نخواهند دید و دائم زجر می کشند. زقوم یک ماده مخدر فوق قوی است که جهنمیان برای همیشه معتاد آن میشوند که بطور کامل

درد و رنج است. یک معتاد به ماده مخدر، بعد از مدتی، فقط مزه و طعم ماده مخدر برایش مهم است و دیگر بقیه مزه ها برایش اهمیتی ندارد. این افراد خود را از نظام رحمانی خارج میکنند و فقط یک مزه و یک حالت مستی و نشئگی را می پرستند.

انسان یک موبایل درست میکند و چند ماه بعد، از همان نوع موبایل مقداری حافظه اش را بیشتر میکند و به عنوان یک محصول جدید بیرون میدهد. پنداری که پشت این تصمیم است ، کاملا نیک نیست و فقط جنبه مصرف گرایی و پولی دارد. مدیتیشن انسانها را جزئی نگر تر میکند و آنان را مصرف گرا تر میکند. اما نماز و شکرگزاری برخلاف مدیتیشن هستند و مردم را از شرایط گلخانه ای دور میکنند.